



مرعوب نشوید! معذرت نخواهید! درباره جنجال بر سر چاپ کاریکاتورهای "توهین آمیز"

اسلامیست ها همانگونه که هر روزه انسان های بیگانه را گروگان میگیرند، زیل شده اند و میکوشند که وجدان های انسان های مترقی و انسان دوست را گروگان بگیرند. با توسل به استدلالاتی چون به "مقدسات مان توهین شده است"، "راسیسم رشد میکند"، "نفرت مذهبی تحریک میشود"، و "آزادی مذهب پس چی؟"، وجدان حساس دنیای متمدن و انسان دوست را به گروگان میگیرند.

صفحه ۳

آذر ماجدی



روز جهانی ایدز

ظاهراً با وجود هزاران نهاد اجتماعی و سازمانهای غیر دولتی و استفاده از مواهب عصر اینفورماتیک، تصور بیشتر مردم بر این است که خطر ابتلا به ایدز بسیار کمتر از گذشته شده است.

صفحه ۴

شہلا نوری



"اسلاموفوبی" تزی راسیستی است!

در اروپای غربی بسیاری از چیپها و فمینیستها هر نوع تقابل با اسلام را بعنوان "اسلاموفوبی" و "راسیسم" رد میکنند. "اسلاموفوبی" چیست؟ آیا تقابل با اسلام راسیسم است؟

صفحه ۶

سیاوش دانشور

ستون اول،

تروریسم محکوم است! ریشه تروریسم را بخشکانیم!

عملیات تروریستی روز چهارشنبه هفتم ژانویه در پاریس که منجر به قتل ۱۲ نفر، ۱۰ کارتونیسٹ و نویسنده "شارلی ابدو" مجله طنز فرانسوی و دو پلیس گردید، مانند یک بمب در رسانه های بین المللی منفجر شد و بار دیگر تروریسم اسلامی را به وسط میدان مباحث سیاسی کشاند. "شارلی ابدو" چند سال پیش، بدنبال انتشار کاریکاتورهایی از محمد در یک روزنامه دانمارکی و اعتراضات جریانات اسلامی به آن، این کاریکاتورها را مجدداً منتشر کرد. اعلام می شود که این اقدام بعنوان یک حرکت سیاسی در دفاع از آزادی بیان و سکولاریسم انجام گرفت. از آن پس این نشریه و کارکنان آن مورد تهدید دائم اسلامیست ها بوده اند. شارلی ابدو یک نشریه طنز و فکاهی است. طنز تند و بعضاً تلخ و بیرحم سبک این مجله است. این مجله در عالم سیاست دشمن کم ندارد. مسخره کردن مذهب یکی از تم های این مجله است.

سازمان القاعده که مدتی بود مقام خود را بعنوان رهبر تروریسم اسلامی از دست داده و بویژه پس از ظهور داعش به حاشیه رانده شده بود، بار دیگر در صحنه ترور و کشتار فعال شده است. کشتار بیش از ۱۲۵ نفر در مدرسه ای در پاکستان در ماه گذشته و اکنون عملیات تروریستی علیه شارلی ابدو دو حرکت اخیر این سازمان است. این وحوش اسلامی از هر موقعیتی برای کشتار، ایجاد هرج و مرج و گسترش نفرت و ارباب استفاده می کنند. در لجنزاری که توسط دو قطب تروریسم، اسلامی و دولتی ایجاد شده است، زمینی حاصلخیز برای جذب انسانهای عاصی و مستاصل که هر امیدی را به یک زندگی انسانی و عادلانه از دست داده اند و تبدیل آنها به قربانیان تروریسم بوجود آمده است. جوانانی که یا در خاورمیانه و آفریقا زیر بمباران، جنگ، تروریسم و

صفحه ۴



سازمان آزادی زن قاطعانه کشتار کارکنان مجله شارلی ابدو و هر نوع تروریسم را محکوم می کند. هیچ دلیل و زمینه ای تروریسم را توجیه نمی کند. قطعاً باید ریشه نابرابری، تبعیض، بی عدالتی و فقر و محرومیت را خشک کرد و باین ترتیب امکان رشد هر نوع تروریسم از میان برود و لاشخورهایی از قبیل القاعده نابود شوند.

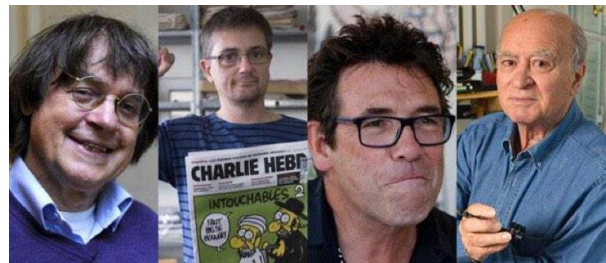
باید بشریت آزادیخواه و برابری طلب و متمدن جهان را در یک جبهه گرد آورد تا علیه هر نوع تروریسمی چه از نوع اسلامی و چه دولتی قاطعانه و متحدانه بایستند؛ و بالاخره، در شرایط کنونی باید هوشیارانه از رشد تبعیض علیه شهروندان منتسب به مسلمانان ممانعت کرد و اجازه نداد که این بخش از شهروندان ایزوله شده و به حاشیه رانده شوند. این تنها راه مبارزه با تروریسم و دستیابی به یک دنیای آزاد و صلح آمیز است. مبارزه با تروریسم کار ما انسانها آزادیخواه و برابری طلب است، نه دولتهای سرکوبگر و دستگاه پلیس و ارتش شان!

زنده باد آزادی و برابری!
سازمان آزادی زن

۱۰ ژانویه ۲۰۱۵

تروریسم محکوم است! ریشه تروریسم را بخشکانیم ...

فقر و گرسنگی به فغان آمده اند و با آنهایی که در غرب زندگی می کنند، اما به حاشیه جامعه رانده شده اند، مورد تبعیض دائم قرار دارند و راهی به یک آینده بهتر، برابر و روشن نمی یابند، به طعمه این جانپان اسلامی بدل می شوند و به تسمه ای در دور تسلسل مرگ، نفرت، تفرقه، راسیسم و کشتار تبدیل می گردند. این حقیقت تلخ جهان امروز، بویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ است.



در این میان برخی جریانات چپ، مدافع برابری و علیه تبعیض نژادی و مخالف تحرکات دولتهای غربی به سرکردگی آمریکا و نقش فعال اسرائیل در خاورمیانه و آفریقا، در برخورد به این تراژدی دردناک تروریستی، بطرق مختلف می کوشند که با توسل به واقعیات تلخ فوق بنوعی کشتار تروریستی شارلی ابدو را توجیه کنند. به نقش فرانسه در وضعیت ناهنجار در آفریقا، به اشغال الجزایر و جنگ استقلال طلبانه در آن، به سرنوشت فاجعه بار عراق، و تبعیض علیه آفریقایی الاصل های مقیم فرانسه و غیره متوسل می شوند تا از قبح و کراهت کشتار دوازده انسان که ده نفرشان نویسنده و کاریکاتوریست بودند، بکاهند.

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاها: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۱۱۱۳۷

KMTV

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.org

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



مر عوب نشوید! معذرت نخواهید!

درباره جنجال بر سر چاپ کاریکاتورهای "توهین آمیز"

آذر ماجدی

هر کسی باید مجاز باشد تا هر ایده، شیئی و یا اعتقادی را نقد و حتی تمسخر کند. تنها راه ساختن یک دنیای بهتر و انسانی تر حفظ این ارزشهای مقدس است. آزادی بیان و نقد ارزش مقدسی است که باید با تمام قوا حفظ شود.

"توهین به مقدسات" بهانه ای است برای اسلامپست ها تا تحریک و هیستریک شوند و دنیا را به آتش کشند. و مشکل اینجاست که هر حرکت و نمودی از دنیای آزاد و متمدن آنها را "تحریک" میکند و کف بر دهانشان میاورد. باید آنها را سرچایشان نشانند. باید به آنها آموخت که این سلاح دیگر کاربرد ندارد. باید مجبورشان کرد که به آزادیهای مدنی و حقوق انسانی احترام بگذارند، باید یاد بگیرند تا حقوق زنان و آزادی زن را رعایت کنند.

باید بیاموزند که سلاح ارباب و ترور دیگر کارساز نیست. چگونه؟ باید در مقابلشان ایستادگی کرد. باید عقبشان نشانند. باید از آزادی بی قید و شرط بیان، عقیده و نقد قاطعانه دفاع کرد. بهیچوجه نباید از آنها عذرخواهی کرد. اگر کسی هستند که باید از دنیا بخاطر جنایتشان علیه بشریت عذرخواهی کنند.

فوریه ۲۰۰۶

اسلامپست ها در حالیکه می زنند و میکشند، مظلوم نمایی میکنند. این سلاح آنهاست. جریان اسلام سیاسی انسان ها را بخاطر طلب کردن حق خود، بخاطر طلب آزادی و برابری شکنجه میکند، میکشد، سنگسار میکند، بطور روزمره زنان را تحقیر میکند، حق آنها را پایمال میکند، و برای عدم اجرای قوانین اسلامی شکنجه و اعدامشان میکند، و آنگاه زمانی که حقایق این جنایات افشاء میشود، به آنها "توهین" میشود، فغان بر میاورند که "حرمت شان" لگدمال شده است، "مقدس" میشوند. این گروکشی است. اسلامپست ها همانگونه که هر روزه انسان های بیگناه را گروگان میگیرند، زبل شده اند و میکوشند که وجدان های انسان های مترقی و انسان دوست را گروگان بگیرند. با توسل به استدلالاتی چون به "مقدسات مان توهین شده است"، "راسیسم رشد میکند"، "نفرت مذهبی تحریک میشود"، و "آزادی مذهب پس چی؟"، وجدان حساس دنیای متمدن و انسان دوست را به گروگان میگیرند. این راز بقای آنهاست.

براستی که دنیای بدون آزادی بی قید و شرط بیان و نقد، چه دنیای تاریک و ترسناکی است. این ارزشها طی مبارزات سخت و طولانی بدست آمده است. ما باید حق آزادی بی قید و شرط بیان و نقد را با تمام قوا پاسداری کنیم. هیچ چیز برای همه "مقدس" نیست. لذا

این یادداشت در زمان انتشار کاریکاتورهای محمد منتشر شد. با هر عمل رادیکال طیفی از دمکراتها و دولتی ها بحث برسر دامنه آزادی بیان و "توهین" به "مقدسات" را آغاز میکنند. هدف این تبلیغات و دولا راست شدن ها برای مذهب بطور کلی و اینجا اسلام، تحمیل یک عقب نشینی جدی به آزادی بیان و آزادی انتقاد است. مباحث بعد از ترور جنایتکارانه پاریس همین است. تلاش میکنند رابطه اسلام و تروریسم اسلامی را بشکنند و اسلام را از شمول انتقاد مصون کنند. سردبیر.

دنیا جنجال اسلامپست ها بر سر چاپ کاریکاتور محمد (پیامبر اسلام) در قالب یک تروریست را زیادی جدی گرفته است. عذرخواهی بعد از عذرخواهی به دولت ها و اوباش اسلامی تسلیم میشود. عذرخواهی این قداره بندان را بیشتر جری میکند و بیشتر کف بر دهانشان میاورد. گروگان گیری، ارباب، شکنجه، جنایت و تحقیر و توهین به ارزشهای انسانی و حقوق آزادیخواهانه سلاح جریان اسلامی است.

این جنجال و آشوب توسط جریانان و دولت های اسلامی سازمان یافته است. اینها عمدتاً باندهای سازمان یافته اسلامی اند و بعضاً مردمی که بر مبنای تعصبات و خرافات مذهبی تحریک شده اند. از این نیروهای ارتجاعی نباید عذرخواهی کرد، از جریاناتی که یک دستگاه پیچیده سرکوب و ارباب و یک ارتش تروریستی در سطح جهان سازمان داده اند، از کسانی که با توسل به ترور و جنایت و سرکوب زندگی مردم کشورهای اسلام زده را به گروگان گرفته اند، کسانی که از نوجوان ۱۲ ساله نیز برای پیشبرد عملیات انتحاری تروریستی شان نمیگذرند، از نیروهایی که دارای سیاه ترین کارنامه جنایت و سرکوب اند.

از سایت جدید سازمان آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.org

برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



در روز جهانی ایدز

این همه تناقض در کجاست؟

طبق گزارش یونسف افزایش مرگ میر کودکان بین ۱۰ تا ۱۹ ساله مبتلا به بیماری ایدز از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ به ۵۰ درصد رسیده است. در حالیکه کاهش ابتلای کودکان به ویروس اچ آی وی طی چند سال گذشته از ۵ میلیون به ۲ میلیون است. این آمار محصول شناخت دقیقتر چگونگی عملکرد این ویروس و تولید انواع داروهایی است که پروسه پیشرفت این بیماری را طولانی تر یا متوقف میکند. پیشروی بشریت و بهره مند شدن از این دستاورد علمی تحولی عظیم در زندگی انسان قرن حاضر می باشد اما مواهب این پیشروی شامل سرزمینهای فقرزده و مذهب زده نیست.

در هر دقیقه، یک کودک زیر ۱۵ سال به خاطر ایدز می میرد و فقط ۵ درصد از کودکان مبتلا امکان دسترسی به درمان رتروویروسی (ضد ایدز) را دارند. با فرض بر اینکه داروی رتروویروسی (ضد ایدز) در اختیار همه مبتلایان جهان قرار بگیرد و بشر قادر شود میزان مرگ و میر بیماران را به مقادیر زیادی کاهش دهد، هیچ تضمینی جهت جلوگیری از شیوع ویروس اچ آی وی وجود ندارد. مصرف این دارو فقط جلوی پیشرفت بیماری را به مرحله موسوم به ایدز می گیرد و گاهی امکان یک

صفحه ۵

روز جهانی ایدز

شهلا نوری

آنها خواهند توانست راهکارهای لازم را اتخاذ کنند.

نگاهی به گزارشات ۳ سال گذشته نشان می دهد که مردم در این دایره رنج و درد قربانی هستند و چاره کار جای دیگری است. سه سال گذشته در چنین روزی اعلام شد: درصد بیماران مبتلا به ایدز به دلیل اعمال سیاستهای کنترلی و مراقبتی در آفریقا با کاهش قابل ملاحظه ای روبرو شده. اما آمریکای جنوبی، اروپای شرقی و اروپای مرکزی در معرض خطر جدی قرار دارند.

بر اساس همان گزارش افزایش مبتلایان به ایدز ۲۷۰ برابر بیش از ۵ سال قبلتر در بعضی از قسمتهای روسیه اعلام شد. امسال اما اعلام شد: به دلیل کاهش حمایت مالی و رسیستنس شدن ویروس اچ آی وی نسبت به داروی موفق کننده موجود، اوضاع در آفریقا مجدداً خطری است.

چه باید کرد؟ اولین سئوالی است که افکار انسان را مشغول میکند این است که این سازمانهای عریض و طویل مشغول چه هستند. یک سال سهم بودجه این کشور را افزایش می دهند و سال دیگر آن یکی را. این همه تناقض در کجاست؟

این نوشته قصد پرداختن به همه جوانب این معضل جهانی را ندارد اما اشاره به بعضی از آنها لااقل می تواند زمینه دامن زدن به بحثهای بعدی را فراهم کند. از اینرو توجه خوانندگان را به مطلبی جلب می کنم که در یک سال پیش در همین نشریه درج شد.

بیش از ۲۵ سال است که روز اول دسامبر بعنوان روز جهانی مبارزه با ایدز معرفی شده است. در این روز، سازمان جهانی بهداشت با برگزاری اجلاس جهانی و دعوت از همه کشورهای متعهد به صندوق جهانی مبارزه با اچ آی وی، تلاش می کند اطلاعات بدست آمده در کشورهای مختلف را جمع آوری کند. سال گذشته در همین روز همه کشورهای شرکت کننده متعهد شدند، در همکاری با یکدیگر از افزایش ابتلا به ویروس اچ آی وی جلوگیری کنند و میزان تبعیض و مرگ و میر بین مبتلایان به ایدز را به صفر برسانند. تعهدی که در بسیاری از کشورهای جهان نه ضمانت اجرایی داشت نه امکان به اجرا درآمدن آن متصور است!

طبیعی است که حتی ارتجاعی ترین دولتهای جهان حاضر نیستند شاهد بالا رفتن درصد این بیماری خطرناک در میان ساکنین کشور باشند. اما علت اصلی عدم نزدیک شدن به تعهد مشترک سال گذشته "رسیدن به صفر" در چیست؟ ظاهراً با وجود هزاران نهاد اجتماعی و سازمانهای غیر دولتی و استفاده از مواهب عصر اینفورماتیک، تصور بیشتر مردم بر این است که با افزایش آگاهی جمعی، آموزش و ترویج برقراری رابطه جنسی امن تر، تشویق افراد معتاد به انجام آزمایش اچ آی وی، در بعضی از کشورهای جهان خطر ابتلا به ویروس اچ آی وی و خطر ابتلا به ایدز بسیار کمتر از گذشته شده است.

و اگر بودجه لازم برای مقابله و توقف این بیماری در اختیار دولتها قرار بگیرد

مزد برابر در ازای کار مشابه!

اما نظریه راست جامعه جهانی بعضا مبنی بر انکار و پنهانکاری و اشاره به مسائل اخلاقی و بهبود آن دارد. آنها با پافشاری به حفظ نهاد خانواده متشکل از مرد و زن، جلوگیری از سقط جنین و مخالفت با راههای جلوگیری از بارداری، تلاش می کنند تا به زعم خود جلوی "بی بند و باری جنسی" را بگیرند و مشوق عدم روابط جنسی قبل از ازدواج باشند. جناح راست معتقد است که کمک به کشورهای فقیر بایستی بر اساس پیشنهاد وامهای مشخص جهت بازسازی بخش خصوصی و باز کردن دروازه های اقتصادشان به تجارت جهانی باشد. در نتیجه تفاوت در دیدگاههای موجود ما شاهد تأثیرات و تغییرات قابل ملاحظه ای در تعیین سیاستها و یک همبستگی جهانی جهت پیشگیری و درمان این بیماری نیستیم. این دیدگاهها علیرغم تفاوتشان نه بر اساس نیازهای اکثریت مردم مبتلا به این بیماری، بلکه بر اساس ایجاد قلمرو تازه ای برای گردش سرمایه است.

چه باید کرد؟

اکنون قدرت علمی بشر قادر است راه واقعی پیشگیری از ابتلا به ایدز و گسترش این بیماری را پیدا کند. برخی اخبار تائید نشده نیز از کشف واکسن ایدز خبر میدهند. از نظر من کنترل مستمر سلامتی شهروندان، آموزش و اطلاعات کافی دادن به شهروندان، حمایت جامعه و دولت از شهروندان بیمار، تهیه واکسن ایدز، توزیع فوری و رایگان داروهای لازم و موجود توسط سازمان جهانی بهداشت و گروهها و نهادهای ویژه مبارزه با ایدز در هر کشور، حداقل راه ممکن و مقدر متوقف کردن ویروس اچ آی وی و ممانعت از گسترش آن در سراسر جهان است!

روز جهانی ایدز ...

زندگی نسبتا عادی و درازمدت تری را برای مبتلایان فراهم می کند. علاوه بر نوزدانی که قبل یا لحظه تولد مبتلا شده و یا بوسیله شیر مادر مبتلا می شوند، هر ساله میلیونها جوان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله به جمع مبتلایان افزوده می شود.

به هر رو رسانه های نان به نرخ خور جهان تلاش می کند، روز اول دسامبر را بعنوان روزی تعیین کننده در سرنوشت میلیونها انسان مبتلا به ویروس اچ آی وی ارزیابی کنند. دریغ از یک روزنامه نگار مسئول که نقدی جدی به مناسبات سرمایه داری، جامعه علمی را وادار به اعتراف به امکان پذیر بودن کشف درمان قطعی ایدز کند.

نظریه چپ معطوف به جنبه های پزشکی است و معتقد است که نباید هیچ انسانی به ویروس اچ آی وی مبتلا شود. از این رو تلاش می کند در مقابل حفظ و اشاعه اخلاقیات مذهبی، فقر، صنعت اعتیاد، پدوفیلیسم، ازدواج کودکان، صنعت قاچاق و فروش انسان و انحصاری کردن روشهای درمانی، ایستادگی و مبارزه کند تا بدینوسیله بشود از شیوع هر چه بیشتر این بیماری جلوگیری کرد. در عین حال تلاش می کند تا هر چه سریعتر بیشترین کمکهای مالی به کشورهای فقیر در صورت بگیرد تا آنها بتوانند در توانایی سازماندهی خدمات بهداشتی و جلوگیری از مرگ و میر و شیوع بیشتر این معضل اجتماعی اقدام کنند.

گوتنبرگ سوئد، امروز در دفاع از آزادی بیان،

علیه تروریسم اسلامی و راسیسم



تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!

بندی شده و در میان عده ای جا افتاده است، خود یک ترم راسیستی است. عنوانی است که تلاش دارد به آپارتاید رسمی و قانونی و تقسیم شهروندان جوامع اروپایی به "اکثریت" و "اقلیت"، به "خارجی" و "اروپایی"، و گروه‌بندیهای دیگر رسمیت بدهد. "اسلاموفوبی" عنوانی راسیستی است چون نقطه شروع انسانهای برابر و شهروندان دارای حق و مسئولیت برابر نیست. ترم "اسلاموفوبی" راسیستی است چون فرضش بر اینست که انسانها و شهروندان جامعه بدوا هویت اسلامی و یا مسیحی و یهودی و ملی و قومی دارند. این دیدگاه دموکراسی و "تفرانس" را ایجاد وضعیتی میداند که در آن همه این گروه‌بندیها توسط قانون سهم شان برسمیت شناخته شده باشد. "اسلاموفوبی" ترمی راسیستی است چون هویت انسانها را بصورت دلخواهی مذهبی تعریف میکند و جوامع مسلمان نشین را "جوامع اسلامی" مینامد. جامعه ای که به دلایل سیاسی قابل توضیح که مثلا اسلام در قوانین آن "دین رسمی" محسوب میشود، همه شهروندان آن یکجا و در آمارها "مسلمان" محاسبه می شوند. امری که مثل داغ لعنتی همراه شماسیت و حتی وقتی در اروپا زندگی میکنید، کماکان در آمار "مسلمانان" محاسبه میشود. "اسلاموفوبی" راسیستی است چون راسیسم نهفته در اسلام و نگرش خشن مذهبی اسلام نسبت به دیگر شهروندان را تلطیف و قانونیت میبخشد. "اسلاموفوبی" در قلمرو سیاست عنوانی باجگیرانه است چون هر نقدی به اسلام را معادل "پیشداوری نسبت به مسلمانان"، "دشمنی با مسلمانان" و "تبعیض به مسلمانان" تلقی میکند. "اسلاموفوبی" عنوانی است که با تبلیغ "از اسلام نترسید" تلاش دارد زیر بغل اسلام سیاسی را بگیرد و بعنوان ضربه گیر اسلام سیاسی در جدال سیاسی عمل میکند.

بی دلیل نیست وقتی به سوالاتی مانند مسئله حجاب در مدارس و مراکز آموزشی، ساختن مساجد و مراکز مذهبی، قوانین شریعه در دل اروپای دموکرات و مدرن، حقوق زن و کودک در خانواده های اسلامی و غیره نگاه میکنید، می بینید که عمده کسانی که تلاش دارند ترم "اسلاموفوبی" را بعنوان "راسیسم جدید" به ما بخوراند، از نظر سیاسی در پاسخ به این سوالات کنار جنبش اسلام سیاسی ایستاده اند. موضع این روشنفکران دانشگاهی، چپ و فمینیست با موضع آخوندی که در مسجد محل خرافات تبلیغ میکند یکی است. طرف در گنوی اسلامی که راه انداخته و خودش را "نماینده مسلمانان" آن کشور معرفی میکند، همان استدلالی را دارد که چپهای پست مدرنیست و روشنفکران بورژوا در آکادمی و رسانه ها تحویل ما میدهند. اسلاميون هر نقدی به اسلام را "توهین" به "مقدسات" می نامند و خواهان گسترش خطوط قرمز و "ممنوعه" برای گسترش کسب و کارشان هستند. روشنفکران متحد آنها هم میگویند نقد به اسلام با "توهین" به اسلام فرق دارد! هر دو میگویند اگر زنان و کودکان با حجاب در محل کار و مراکز آموزشی ظاهر نشوند، اصل "آزادی مذهب" و "آزادی پوشش" نقض شده است و همه اینها را علیه دموکراسی و گسترش آن میدانند. هر دو میگویند نقد به اسلام "نفرت علیه مسلمانان" را گسترش میدهد و معادل "اسلاموفوبی" و یا "راسیسم" است! در طرف مقابل دولتها هستند

صفحه ۷



"اسلاموفوبی" تری راسیستی است!

سیاوش دانشور

بدنبال فاجعه جنایتکارانه و تروریستی در پاریس بار دیگر بحثهای قدیمی مجددا طرح میشوند. آزادی بیان و نقد و دامنه آن، "مقدسات"، چه راسیسم است و چه نیست، آیا دولتها در خلق این اوضاع مسئول و مقصرند و یا گروههای تروریست اسلامی و دستجات نژادپرست؟ رشد راسیسم و نژادپرستی در این میان چه نقشی دارد؟ مردم آزادیخواه چکار باید بکنند و غیره، بار دیگر با حرارت تمام در رسانه ها و شبکه های اجتماعی طرح میشوند. یک سیاست محوری که توسط دولتها و روشنفکران طبقه حاکم و ژورنالیستها طرح میشود، بحث "اسلاموفوبی" است. اسلاموفوبی را بعنوان یک شکل راسیسم طرح میکنند و مرتبا تاکید میکنند که این جنایات مربوط به اسلاميون افراطی است و نه اصل اسلام. یادداشتی که میخوانید این ادعا را دارد که اسلاموفوبی یک تری راسیستی است و تلاش میکند همین را مستدل کند. در اروپای غربی بسیاری از چپها و فمینیستها هر نوع تقابل با اسلام را بعنوان "اسلاموفوبی" و "راسیسم" رد میکنند. "اسلاموفوبی" چیست؟ آیا تقابل با اسلام راسیسم است؟

ترمینولوژی "اسلاموفوبی" از محصولات ایدئولوژی آپارتاید پست مدرنیسم و نسبییت فرهنگی است که بویژه بدنبال واقعه س ۱۱ پتامبر و شعار "جنگ علیه ترور" بوش، از جانب مدافعان جنبش اسلامی وارد ادبیات سیاسی شد. ترم "اسلاموفوبی" با تعریف عمومی "اسلام هراسی و مسلمان هراسی" در ادبیات چپ اروپای غربی و در جامعه شناسی دانشگاهی دست راستی بعنوان "راسیسم جدید" تعریف شد و در ردیف عناوینی مانند "هموفوبیا" و "آنتی سمیتیسم" قرار گرفت. اگرچه استدلال ها در میان گروهها و طرفداران این ایده متفاوت است اما وجه اشتراک آنها اینست که "داشتن پیشداوری و دشمنی با اسلام و مسلمانان"، "اسلاموفوبی" نام میگیرد و بعنوان شکلی از "راسیسم" معرفی میشود.

باید به مواضع سیاسی این نیروها در کشمکش های اجتماعی و سوالات واقعی اشاره کرد تا جایگاه این نوع استدلال روشنتر شود. اما واقعیت اینست که "اسلاموفوبی" عنوانی است که تلاش دارد زیر بغل جنبش ارتجاعی و آدمکش اسلام سیاسی را بگیرد و این عنوان چه از جانب دموکراتها و چپ ها و فمینیست ها، چه از جانب دولتهایی که ملاحظات سیاسی و امنیتی خود را در کنترل اسلام سیاسی دارند و تلاش دارند آنها را "معتدل" کنند، و چه از جانب جریانات اسلامی اساسا به یک معنا استفاده میشود.

به نظر من "اسلاموفوبی" که در ردیف مقولات راسیستی طبقه

اعدام قتل عمد دولتی است!

حقوق شهروندان منتسب به مسلمان امری راسیستی است و قاطعانه با آن مبارزه میکنیم. برای ما نقد اسلام با هر زبان و با هر مدیومی عین آزادی بیان است و هر نوع محدودیت آنرا باج به مذهب میدانیم. برای ما تقابل با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و دفاع از ارزشهای سکولار و حقوق جهانشمول یک پرنسیپ قدیمی است و با ابداع ترم "اسلاموفوبی" شروع نشده است. برای ما پست مدرنیسم و مشتقات آن اعم از نسبیت فرهنگی و "اسلاموفوبی" و غیره یک چهارچوب راسیستی و ضد کارگری است که اتفاقاً نفی اصل برابری حقوقی و اجتماعی و هر دستاورد قدیمی طبقه کارگر و سوسیالیسم را هدف خود قرار داده است.

ما در جدال با اسلام سیاسی در اروپای غربی و خاورمیانه جانبداریم و خود یک طرف این جدال هستیم. ما در کشمکش بر سر سولاتی مانند حجاب، مدارس مذهبی، راسیسم سیاسی و اداری، حقوق کودک، حقوق زن، آزادی بیان، قوانین محدود کننده آزادی بیان، سیاست دولتها در باره امنیت، و غیره جانبداریم و با ترم پوچ و من درآوردی "اسلاموفوبی" جا نمی زنیم. ما جنبشی هستیم که پروژه اسلام زدائی در ایران را دنبال میکنیم و به تغییرات بزرگ در خاورمیانه چشم دوخته ایم. جست و خیز معدودی روشنفکر نان به نرخ روز خور که همواره در هر کشمکشی خود را کنار ارتجاع می یابند، و یا سو استفاده احزاب و گروههای دست راستی که نتیجه ای از سیاستهای همین دولتها هستند، باعث نخواهد شد که ما در مسیر سیاسی مان تردید کنیم و نقد به اسلام و مبارزه با جنبش اسلام سیاسی را کم رنگ کنیم. ما اجازه نمیدهیم طرفداران ترمینولوژی راسیستی "اسلاموفوبی" زیر پرچم "مقابله با راسیسم" به ارتجاع اسلامی و ضد زن نیرو بدهند. برابری حقوقی شهروندان اعم از "مسلمان" و غیره یک اصل خدشه ناپذیر ماست. اما این موجب نمیشود نقد ضد اسلامی و ضد جنبش اسلام سیاسی بعنوان "حقوق ویژه" اسلاميون بایگانی شود.

بگذارید برای مزاح هم که شده در صورت ظاهر مسئله شریک شویم. بگذارید بپرسیم که واقعا اگر کسی از داعش ها، القاعده ای ها، الشبাব ها، طالبان ها، آدمکشان جمهوری اسلامی، و تروریست های متفرقه اسلام سیاسی بعد از این همه توحش و جنایت "ترس و هراس" داشته باشد، آیا ترس ناموجهی است؟ میشود گفت از راسیست های دو آتشه هیتلری که فقط به قتل و خون می اندیشند "نترسید"؟ میشود به زنی که چاقوی مردسالاری را خوب میشناسد گفت از خشونت ضد زن "نترس"؟ مگر "ترس" همین دولتهای فزیمه از تروریسم اسلامی نیست که هزینه برپائی مسجد و منبر برای آخوندها و جنبش اسلامی را می پردازند؟ مگر همین "ترس" و استناد دارد دوگانه آنها موجب نشده که زنان و کودکانی که در گتوها و جوامع تحت سلطه آنها چشم به جهان می گشایند، بیحقوق تر از هم نوعانشان در محله بغل دستی باشند؟ مگر خود اینها از "ترس" شان به اسلاميون در راه انداختن بساط دادگاه شریعه و قوانین آپارتاید و راسیستی تمکین نکرده اند؟ واقعیات سیاسی و اجتماعی و زندگی سیاه زنان و کودکان در محیط های اسلامی علیه این ژست ها و ترهات راسیستی مدافعان "اسلاموفوبی" گواهی میدهد. "اسلاموفوبی" حتی در صورت ظاهر آن هم مسخره است. محتوا بجای خود که تماما راسیستی و آگاهانه پرو اسلامی است.

"اسلاموفوبی" تری راسیستی است ...

که از ترس رشد تروریسم در کشورشان به اسلام سیاسی باج میدهند و تلاش دارند آخوندها و اسلاميون "معتدل" را بعنوان "نماینده مسلمانان" معرفی کنند. به آنها وسیعا امکانات و پول میدهند تا سیاست کنترل تروریسم را پیش ببرند. سیاستی که تاکنون نتیجه معکوس داده است.

واقعیت اینست که کل این اردو، مستقل از اینکه مذهبی است یا سکولار، منفعت مشترکی دارند. از دولتی ها تا آخوندها و اسلام سیاسی تا شبه روشنفکران و دمکراتهایی که برای جنبش اسلامی استدلال دفاعی دست و پا میکنند. همه شان و هر کدام بنوعی با خلط مبحث تلاش دارند نقد به اسلام و اسلام سیاسی را ممنوع و یا محدود کنند. "اسلاموفوبی" را نفرت و ترس بیمورد و پیشداوری نسبت به اسلام و مسلمانان نام میگذارند تا اسلام و اسلام سیاسی را از زیر فشار انتقاد سوسیالیسم و سکولاریسم نجات دهند. همه شان برابری و حقوق برابر شهروندی، مستقل از محل تولد و تعلق به این یا آن عقیده و گروه و فرقه، را عملا نفی میکنند و این پایه راسیسم نهادی در سیستم فکری آنهاست.

در عین حال این اردو با ترم "اسلاموفوبی" دو مسئله را قاطی میکند: اسلام و مردم منتسب به مسلمان. "اسلام هراسی" یا "اسلاموفوبی" نقد و مبارزه با اسلام بعنوان یک جنبش سیاسی را با "تبعیض به مردم منتسب به مسلمان" رندانه یکی قلمداد میکند. شما به ندرت با "آنتی راسیست هائی" در میان این جماعت که جار و جنجال "اسلاموفوبی" راه انداخته اند، مواجه میشوید که پر حرارت علیه اسلام و جنبش اسلامی است و همزمان از حقوق برابر شهروندان منتسب به مسلمان دفاع کند. برعکس، با ترم "اسلاموفوبی" میخواهند اسلام بعنوان یک ایدئولوژی و اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش را از زیر فشار نجات دهند تا امامان و سر عشیره های اسلامی بتوانند بعنوان نماینده و سخنگوی "مردم منتسب به مسلمان" سلطنت کنند. آنها در واقع اسلامیسیم را زیر عنوان مقابله با راسیسم باد میزنند. آنها در کنار مرتجع ترین نیروی های سیاسی واپسگرا تحت عنوان مقابله با راسیسم "جهاد" میکنند. برای ما بعنوان کمونیست و آزادیخواه، که داور دمکراسی نیستیم، برای ما که هدف مان را بهبود شرایط زندگی کلیه انسانها قرار داده ایم، برای ما که از آپارتاید طبقاتی و آپارتاید فکری و فرهنگی منزجریم، برای ما که بویژه درگیر جنگی تمام نشده با اسلام سیاسی هستیم، ترم "اسلاموفوبی" بعنوان شکلی از "راسیسم" حرف پوچی است که میخواهد راسیسم را بعنوان "مقابله با راسیسم" بفروشد. برای ما هر نوع نقص

زنده باد مقاومت توده ای کوبانی!

تظاهرات اتحاد

تروریستها علیه تروریسم

سیاوش دانشور

در روزهای اخیر اجتماعات گسترده‌ای در دفاع از آزادی بیان و همبستگی با قربانیان ترور جنایتکارانه کارکنان مجله طنز شارلی ابدو در کشورهای مختلف اروپایی برگزار شد. در بیشتر این تظاهراتها مردم و شهروندان شرکت کننده از آزادی بیان دفاع کردند، تروریسم اسلامی را محکوم کردند، علیه راسیسم حرف زدند و با قربانیان این فاجعه دلخراش همبستگی انسانی شان را اعلام کردند.

اما تظاهرات امروز یکشنبه در فرانسه که سران بیش از ۴۰ کشور در آن شرکت داشتند از جنس دیگری بود. اولاند و نتانیاهو در اول صف "علیه تروریسم اسلامی" اشک تمساح ریختند. چه کسی نمیداند که اینها سران تروریسم دولتی و از بانیان جریانات اسلامی و موثلف با همین نیروها در منطقه خاورمیانه هستند؟ چگونه کسانی را که وحشیانه هزاران فلسطینی را با بمب و موشک قتل عام میکنند و عمده سران همین کشورهای شرکت کننده در اجتماع امروز پاریس در مقابل آن سکوت میکنند، میتوان در "مبارزه با تروریسم" جدی گرفت؟ و وقتی به اظهارات سران این دولتها در دفاع از اصل اسلام و اسلام "میانه رو" و سخنان خام و تفسیربردار در باره دامنه آزادی بیان دقیق میشوید، وقتی میشنوید که مردم را تشویق میکنند که لطفا در مقابل اسلام "فوبیا" نداشته باشید، "به عقاید گوناگون باید احترام گذاشت" و غیره، به این نتیجه میرسید که هدف این اجتماع نه همبستگی با قربانیان و مبارزه علیه تروریسم بلکه قالب زدن و کنترل اعتراض توده‌ای و گسترده کنونی علیه نیروهای اسلام سیاسی و راست فاشیست است.

مجله شارلی ابدو یک مجله چپ و ضد مذهب و در منتتها الیه چپ فرانسه قرار داشت. این نشریه ای ضد مذهب بود که ناسیونالیستها و فرقه‌های مذهبی‌های متفرقه مخالفش بودند. بسیاری از جریانات چپ این کشور از جمله حزب کمونیست فرانسه و حزب سوسیالیست حاکم اولاند جرات نداشتند در نقد و هجو مذهب یکدهم شارلی ابدو گام بردارند.

تظاهراتهای امروز یکشنبه یک تظاهرات دولتی و کنترل شده بود و با تظاهراتهای عصر چهارشنبه و روزهای بعد این هفته تفاوت زیادی داشت. در مواردی از جمله در سوئد تلاش کردند از آوردن پرچم سرخ توسط تظاهر کنندگان جلوگیری کنند. تظاهرات دولتی امروز چه در فرانسه و چه جاهای دیگر حول ناسیونالیسم، نرمش در قبال اسلام سیاسی و سخنان خام راجع به آزادی بیان بود. صف کسانی که بویژه در پاریس در جلوی این تظاهرات میلیونی "اتحاد" بودند، یعنی تروریستهایی که خود در بالای لیست آدمکشان دولتی قرار دارند، نمیتوانند قهرمانان و شخصیتهای "مبارزه با تروریسم" باشند. تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی به همدیگر نیرو میدهند و به هم نیاز دارند. از میدان بدر کردن ترور و تحجر، اعم از دولتی و غیر دولتی، کار بشریت آزادیخواه و قطب سوم است که توسط دولتهای میلیتاریست و جریانات متفرقه تروریستی اسلامی و نژادپرست نمایندگی نمیشود. شارلی ابدو علیه همین جماعت و سیاستهایشان مینوشت و امروز تروریستهای بنام دولتی بر فقدان اشک تمساح میریزند. *

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

از یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

به سازمان آزادی زن پیوندید!